

## متن مصاحبهٔ احمد ضیا سپهر صدیقی :

بمناسبت اول ماه می ۲۰۲۰ -- مصاحبه اختصاصی در مورد وضعیت به شدت آسیب پذیر طبقه کارگر جهانی در برابر وایروس کرونا

"اقدامات و تصمیم دولتهای سرمایه داری در رابطه به جلوگیری از شیوع وایروس کرونا، نسبت به هر طبقهٔ دیگر طبقهٔ کارگر جهانی را در وضعیتی به شدت آسیب پذیر قرار داده است. در این دوران فاجعه بار زنده گی مردمان جهان، مبارزه برای ارزشهای رفاهی و عدالت طلبانه نظیر حق سلامت و معیشت: درمان رایگان، آموزش رایگان و بیمه بیکاری کامل برای همه کسانی که شغل و درآمد خود را از دست میدهند بیش از هر زمان اهمیت پیدا میکند."

متن مصاحبهٔ رفیق احمد ضیا سپهر صدیقی عضو هیئت رهبری حزب نوین مردم افغانستان با خبرنگار " سایت انترنیتی حزب نوین مردم افغانستان "

رفیق گرامی احمد ضیا سپهر صدیقی، طوریکه شما آگاهی دارید وایروس کرونا که سندرم حاد تنفسی است، اولین بار در دسامبر ۲۰۱۹ در شهر ووهان استان هوبئی، کشور چین شناسایی شد، پیوست به آن در ۱۱ مارچ، سازمان جهانی بهداشت شیوع بیماری را جهان گیر اعلام کرد. ابتدا به آن عنوان ان-کاو-۲۰۱۹ داده شد و با عبور تعداد قربانیان وایروس کرونا از مرز ۱۰۰۰ نفر، سازمان جهانی بهداشت برای بیماری ناشی از آن، نام رسمی انتخاب کرده است - کووید ۱۹ (COVID-۱۹) که اشاره‌ای به «کرونا» (corona)، «ویروس» (virus)، «بیماری» (disease) و سال ۲۰۱۹ دارد.

تا کنون بیش از (3350000) نفر به این بیماری مصاب شده اند از جمله (237000) نفر در اثر این بیماری جان باخته اند و بیش از (1100000) نفر بهبود پیدا کرده اند (1.5.2020).

خواستیم در مورد ابعاد اقتصادی و اجتماعی و پی آمد های احتمالی این آفت جهانگیر و تأثیرات آن بالای زنده گی کارگران و دیگر اقشار متوسط جوامع، دید گاه های شما را با خود داشته باشیم. از اینکه حاضر شدید به سوالات ما پاسخ ارایه فرمائید ممنون و متشکریم .

سوال اول: با شیوع وایروس کرونا، دولتهای درگیر این اپیدمی، به ویژه در کشورهای غربی تصمیم به قرنطینه و تعطیل موقت شهرهای خود گرفتند، و محدودیتهای را وضع نمودند. آیا این محدودیتهای با اصول نیولیبرالیسم بمثابه نظام مسلط در دنیای سرمایه داری همخوانی دارد یا خیر؟

پاسخ:

برای دریافت یک پاسخ روشن نخست باید دید که وضعیت از چی قرار است.

طوری‌که همه ما شاهد هستیم در اروپا بلافاصله با اجرای محدودیتها، بسیاری از مردم برای تهیه مایحتاج اولیه خود شروع به خرید و ذخیره کردند. به سرعت، برخی کالاها بیهوده‌اشتی مانند مواد ضد عفونی کننده، ماسک، دست‌کش و الکل کمیاب شدند. مردم به فروشگاه‌های مواد غذایی هجوم بردند، ترس حاکم بر جامعه سبب شد تا اکثریت مردم با رفتاری هیجانی به خرید مضاعف دست بزنند. فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای در کشورهای بزرگ اروپایی، خالی از مواد غذایی کنسروی، روغن، آرد، برنج و حتی دستمال‌های بهداشتی و کاغذ تشناب شدند. انتشار فیلم‌هایی که نشان از درگیری و نزاع برای به دست آوردن این دستمال‌ها بود، نشان می‌داد که جامعه در شرایط روانی بد و خطرناکی به سر می‌برد.

همین گونه در آمریکا بسیاری از تدابیر مربوط به بهداشت عمومی که از سوی دولت آن کشور اعلام گردید موجب نگرانی مردم در آن کشور شده. باقی ماندن در خانه به دلیل ملاحظات ایمنی، محدود کردن رفت و آمد مردم، محدود کردن چیزهایی که مردم می‌توانند بخرند، و در تعلیق قرا دادن برخی از شغلها، فضای بی‌اعتمادی نسبت به نظام حاکم را بین مردم بوجود آورد. گروه‌های از مردم برای خرید تفنگ و حتی سلاح‌های ثقیل بر مغازه‌های اسلحه فروشی صف کشیدند.

پرفسور تیموتی لیتون، استاد دانشکده حقوق دانشگاه ایالتی جورجیا، که کارشناس صنعت اسلحه سازی آمریکاست، می‌گوید "انگیزه بیشتر کسانی که برای اولین بار اسلحه می‌خرند، بحران ویروس کرونا مسبب آن است. یکی از عوامل نگرانی مردم این است که ممکن است روزی جامعه مدنی - آتش نشانی، پلیس و خدمات بهداشتی - به شدت تحلیل بروند و نتیجه آن مختل شدن نظم و قانون باشد. در یک چنین موردی اسلحه می‌تواند به منزله ابزاری برای کمک به بقای شخص باشد."

ما دیگر بصورت آشکار می‌بینیم که بحران کرونا تمام موسسات مالی، تجاری و صنعتی جهان سرمایه را می‌لرزاند، سازمان بین‌المللی کار هشدار داده که "بیش از سه میلیارد و سه صد هزار محل کار تعطیل و یا نیمه تعطیل شده است، از هر پنج شغل جهان چهار شغل آن تحت تأثیر کرونا است، 81 فیصد نیرو کار با تعطیل کامل و یا نیمه تعطیل مواجه شده‌اند، حدود چهار میلیارد نیروی کار غیر رسمی با وجود آنکه نقش حیاتی در اقتصاد دارند فاقد امتیازات حقوقی از قبیل تأمینات اجتماعی و صحتی مانند کارکنان دایمی هستند.

وزارت کار آمریکا گزارش داده که 3،8 میلیون نفر برای دریافت کمک بیکاری از دولت ثبت نام کرده اند، شیوع کرونا در آمریکا باعث شده که از اوسط ماه مارچ به این سو 30 میلیون کارگر امریکایی شغل خود را از دست بدهند. کار شناسان اقتصاد معتقد اند که آمار واقعی بسیار بیشتر خواهد بود.

یک نهاد وابسته به سازمان ملل متحد هشدار داده است که نیمی از کارگران جهان در معرض خطر کاهش درآمد و نابودی معاش به دلیل همه گیری ویروس کرونا هستند. سازمان بین المللی کار می گوید وخامت شرایط اقتصادی بر درآمد یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون کارگر در سرتاسر جهان تاثیر می گذارد. این سازمان به خصوص درباره تاثیر شدید این وضعیت بر زنده گی کارگرانی که در بخش "غیر رسمی" کار می کنند، هشدار داده است.

اتفاقی تاریخی در بازار نفت رقم خورده؛ قیمت نفت غرب تگزاس آمریکا (که معمولا معیار تعیین قیمت نفت آمریکا است)، منفی شده. به عبارتی ساده تر چون خریداران نفت نمی خرنند، فروشنده گان اگر بخواهند نفت خود را بفروشند و از بازار خارج شوند باید پولی به خریدار بپردازند تا از اضافه تولید نفت و هزینه انبارداری آن نجات پیدا کنند. با فراگیری کرونا در جهان، بسیاری از شرکت های نفتی تولید را متوقف کرده یا کاهش داده اند؛ فقط در بریتانیا بیم آن می رود که حدود ۳۰ هزار شغل مرتبط با نفت و گاز در دریای شمال از دست برود.

بهای اسهام پیوسته کاهش مییابد، معامله داران از سرنوشت سپرده های خویش در بانکها نگران اند، بحران بی اعتمادی بر تمام موسسات نظام سرمایه سایه افکنده است و کارشناسان اقتصادی جهان، پایان سیاست های نیولیبرالی را اعلام میدارند. در واقع میبینیم که باز هم نظام سرمایه داری جهانی، روزهای را میگذراند که پس از بحران بزرگ سال 1929، به آن مواجه بود.

با این توضیح مختصر از وضعیت بر میگردیم به سوال شما . درسیستم توزیع کالا در نظام های مبتنی بر شیوه تولید سرمایه داری، کالا بر مبنای بازار مصرف ( تقاضا) تولید میگردد. صاحبان سرمایه برای انباشت بیشتر سرمایه در تلاش اند تا بازار های جدید را دریافت و ایجاد نمایند. در این شیوه تولید اصل بر مصرف و سود شخصی فرد است.

تا پیش از ظهور بحران کرونا در کشورهای بزرگ سرمایه داری جهان، حق با خریدار بود، اصل بر مصرف و سود شخصی فرد بود، سیستم اقتصادی بر پایه تعادل مصرف و تولید کالا، چرخ اقتصادی را می چرخاند و بر اصل آزادی اقتصادی استوار بود. ولی در اولین هفته های گسترش ویروس کرونا چرخ اقتصاد تعادل خود را از دست داد، جامعه مصرف گرای غربی در مواجه با بحران کرونا، به سرعت دچار رویکرد جدید شد.

در مورد اینکه اقدامات و فیصله های کشورهای غربی با اصول و موازین نیولیبرالیسم بمثابه نظام مسلط در دنیای سرمایه داری همخوانی دارد یا خیر؟ باید گفت که :

نیولیبرالیسم برخلاف نظریه کینز "دستان نا مری بازار"، را همان طوریکه آدام سمیت در قرن نوزده مطرح کرد، تعیین کننده روابط در بازار میدانند به باور آنها هیچگونه ضرورتی به تنظیم بازار از "بیرون" وجود ندارد. به همین دلیل نیولیبرال ها از نظرسیاسی هوادار "دولت حداقل" اند و هر گونه مداخله را از سوی دولت در امور اقتصادی نادرست می دانند.

روح غارتگری این نظریه در این اصل نهفته است که ادعا می کند که با ثروتمند شدن هر چه بیشتر ثروتمندان، افراد بینوا و فاقد و سایل تولید نیز به رفاه خواهند رسید. در دوره حاکمیت ریگان در امریکا و مارکریت تاچر در انگلستان مدافعان نیولیبرالیسم در عرصه سیاست عملی، دست بالا گرفتند و در اغلب کشورهای غربی به قدرت دولتی رسیدند. این نظریه با گذشت سه دهه به سطح یک ایدیولوژی مسلط بر جهان ارتقا یافت.

بحران کرونا که همچون تند بادی همه کشورها را عبور میکند در نخستین گامهای خود ریشه های جهان سرمایه داری را به لرزه در آورد و نقاب از چهره نیولیبرالیسم برداشت و اشکار ساخته که "دولت شهروندی" و یا دولتهای انتخاباتی سرمایه داری غرب تنها "دولت تماشاگر" نیست که شرایط تولید سرمایه داری را ایجاد و حفظ می کند، بل، در شرایط بحرانی فاعل اقتصاد و ابزار به تعادل رساندن مصرف و تولید کالا نیز است؛ و بدون یاری دولتها، نظام جهانی سرمایه داری سخت شکننده است.

بسیاری از تدابیر مربوط به بهداشت عمومی مانند باقی ماندن در خانه به دلیل ملاحظات ایمنی، محدود کردن رفت و آمد مردم، محدود کردن چیزهایی که مردم می توانند بخرند، تعطیل بخشهای اساسی مشاغل و کنترل نظام تولید و مصرف از سوی دولتها که همه عمدتاً در دفاع از منافع کل بورژوازی انجام می یابد با برخی از اصول نیولیبرالیسم همخوانی ندارد. اینکه دولتهای سرمایه داری هزینه هنگفتی را بابت افراد خانه نشین و بیکار پرداخت میکنند، دلیل آن روشن است، در صورت عدم این کار، جامعه به بد امنی و بحران های جدید مواجه می شد.

باید گفت که رویکردهای اخیر دولتهای سرمایه داری بر این اصل مارکسیستی مهر تأیید زد که: "دولت های بورژوازی که پس از استقرار صنعت جدید و بازار جهانی توانسته است در دولت انتخاباتی جدید حاکمیت سیاسی مطلق بدست بیاورد چیزی نیست جز قوه ی اجرائیه برای اداره امور جمعی کل بورژوازی"

به این نکته باید توجه کرد که دولتهای سرمایه داری در اروپا پس از فروپاشی "بلوک شرق" با پیروی از نظریه یی "دولت حداقل" و نیولیبرالیسم، بی رحمانه اقدام به آزاد سازی و شخصی سازی نهادهای خدماتی و ملکی نمودند. زیر نام ریفورم اساسی، بسیاری از دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی، از جمله بیمه بیکاری، بیمه صحت، امتیازات مادی مدت رخصتیهای قانونی و سایر تامينات اجتماعی را که در شکل "دولت های رفاه" مادیت یافته بود از بین بردند. طبقه کارگر در قرن نوزده و اوایل قرن بیستم بخاطر دستیابی به این دستاوردها قربانی های زیاد دادند.

در رابطه به بازگشت بحرانها اقتصادی به وضع عادی از نظر نهادهای غولپیکر مالی و تجاری جهانی یک بحران وقتی که متغیرهای پولی و مالی بازگشت به وضع هادی را آغاز کند تمام شده تلقی میشود. ولی بهشد واقعی وضعیت و ختم بحران وقتی است که کارگران، پیشه وران و سایر اقشار متوسط جامعه به سر کارهای شان برگشته باشند و مزدها و ضمایم آن هم به سطح پیش از بحران رسیده باشد.

اما نباید خوشبینانه پنداشت که بحران های اقتصادی در سیستم سرمایه داری موجب تغییرات کیفی و یا انقلاب خواهد شد. برعکس، آنطوری که تاریخ معاصر در قرن بیستم به ما می آموزاند، بحران اقتصادی در دنیای سرمایه داری می تواند زمینه را برای به قدرت رسیدن گروه ها و گرایشهای (راست یا چپ) مهیا کند.

باید گفت: تنها راهی که می توان از شیوع سریع این ویروس جلوگیری کرد و روند سرایت آنرا به دیگری قطع کرد اقدامات محدود کننده است که از سوی سازمان جهانی بهداشت توصیه گردیده است. اما این تصمیم عوارض بسیاری را نیز به همراه دارد. ولی وضعیت جاری می رساند که دخالت دولت و اقدامهای اشکارا از جانب دولتها نه تنها ضروری بل اجتناب ناپذیر است.

بحران بزرگ اقتصادی جهانی سال 1929، برای مدافعان نظام بازار آزاد این درس را داد که، بدون بر خورد متحدانه و مشترک دولتهای سرمایه داری و موسسات غول پیکر آن، دیگر ممکن نیست تا چنین بحرانهای ساختاری را مهار سازد.

بحران کرونا و عدم موفقیت اغلب کشورهای جهان در مقابله به آن این باور را تقویت نموده است که، در برابر امراض اپیدومی و جهانگیر هیچ کشور قادر به ممانعت از آن بدون همکاری همه کشورهای جهان و نهادهای جهانی مرتبط به امور صحتی - انسانی از جمله سازمان بهداشت جهانی نیست، و بشریت نمی تواند بدون همکاری تنگاتنگ بین المللی در برابر همچو آفتهای جهانگیر بقا خویش را تضمین نماید.

اقدامات و تصامیم دولتهای سرمایه داری در رابطه به جلوگیری از شیوع وایروس کرونا، نسبت به هر طبقه دیگر طبقه کارگر جهانی را در وضعیتی به شدت آسیب پذیر قرار داده است. در این دوران فاجعه بار زنده گی مردمان جهان، مبارزه برای ارزشهای رفاهی و عدالت طلبانه نظیر حق سلامت و معیشت: درمان رایگان، آموزش رایگان و بیمه بیکاری کامل برای همه کسانی که شغل و درآمد خود را از دست میدهند بیش از هر زمان اهمیت پیدا میکند."

سوال دوم- صندوق بین المللی پول در آخرین گزارش خویش در رابطه به همه گیرشدن بحران کرونا بیان نموده که " جهان در معرض شدید ترین بحران اقتصادی خود از زمان رکود اقتصادی بزرگ دهه 1930 قرار گرفته است. در این مورد اگر مختصراً روشنی اندازید ممنون میگردیم.

## پاسخ:

طوری‌که شما آگاهی دارید، صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد " به خاطر همه‌گیری ویروس کرونا، اقتصاد جهان در سال جاری میلادی عمیق‌ترین رکود در ۹۰ سال گذشته را تجربه می‌کند". همچنان صندوق بین‌المللی پول رشد منفی اقتصادی را برای ۱۷۰ کشور جهان پیش‌بینی نموده و هشدار می‌دهد که در این میان اقتصادهای نوظهور، کشورهای کم‌درآمد آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا در معرض خطر بالاتری قرار دارند.

کریستالینا جورجیوا، رئیس صندوق بین‌المللی پول در آستانه نشست بهاری صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی اعلام کرد که جهان در معرض شدیدترین بحران اقتصادی خود از زمان رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ قرار گرفته است.

رکود بزرگ اقتصادی چیست؟

**رکود بزرگ:** به رکود گسترده اقتصادی جهان در یک دهه پیش از آغاز جنگ جهانی دوم گفته می‌شود. شروع بحران بزرگ اقتصادی جهان در اغلب کشورهای جهان از سال ۱۹۲۹ بوده و پایان آن اواخر دهه ۱۹۳۰ یا اوایل ۱۹۴۰ بوده است. بحران بزرگ را می‌توان عمیق‌ترین، طولانی‌ترین و گسترده‌ترین بحران اقتصادی نظام سرمایه‌داری جهانی قرن بیستم دانست.

بحران بزرگ اقتصادی از ایالات متحده آمریکا با کاهش ارزش سهام در تاریخ ۴ سپتامبر ۱۹۲۹ شروع گردید. در روز سه‌شنبه تاریخ ۲۹ اکتبر 1929 عیسانی که در قاموس اقتصادی "سه‌شنبه سیاه" نام گرفت، بازار بورس آمریکا سقوط کرد و خبر آن در جهان پیچید. از آن پس رکود اقتصادی در تمام کشورهای جهان به سرعت گسترش یافت.

در سال ۱۹۳۳ در آمریکا، نرخ بیکاری به حدود ۲۵ درصد افزایش یافت. صدها هزار نفر از بیکاران با استفاده از قطار به شهرها و ایالت‌های دیگر برای یافتن کار سفر می‌کردند.

در بحران بزرگی که در سال‌های ۱۹۳۳ - ۱۹۲۹ شروع گردید، حجم تولید در جهان به ۴۴٪ رسید (کمتر از نصف میزان قبل از بحران شد) و بزرگ‌ترین کشورهای سرمایه‌داری از نظر حجم تولید به سطح ۲۰ یا ۳۰ سال پیش از بحران برگشتند. چهل میلیون نفر کارگر از کار بیکار شده در خیابان‌ها به لشکر بیکاران پیوستند. هزاران مؤسسه ورشکست گردید. خساراتی که از این بحران به اقتصاد جهانی وارد شد بیش از خسارات ناشی از جنگ اول جهانی بود. بار اساسی این بحران را کارگران و تولیدکنندگان و سرمایه‌داران کوچک بدوش کشیدند.

از دید اغلب اقتصاد دانان یکی از دلایل بحران بزرگ اقتصادی در آمریکا عملکرد ( فدرال رزرو) یا بانک مرکزی آمریکا عنوان شده است. به عقیده گروهی از اقتصاددانان نظیر میلتون فریدمن، ( برنده نوبل اقتصاد و یکی از رهبران مکتب اقتصادی شیکاگو ) سیاست انقباضی "فدرال رزرو" برای کاهش نقدینگی، باعث عمیق تر شدن بحران بزرگ اقتصادی در آمریکا شد. ( به پا ورقی مراجعه فرمائید)

جان مینارد کینز اقتصاددان مطرح بریتانیایی ریشه بحران اقتصادی را نبود تقاضای کافی از سوی مصرف کنندگان می دانست. او در آن زمان پیشنهاد کرد که دولت‌ها باید برای رهایی از بحران بزرگ، مخارج خود را افزایش دهند، در بحران اقتصادی تنها دولت امکان افزایش تقاضا برای کالا و خدمات را دارد، چرا که هنگام وضعیت بد اقتصادی مردم به دلیل خوبی که پیدا می کنند، کمتر پول خرج می کنند و این باعث کاهش تقاضا، و به دنبال آن کاهش مصرف، و افزایش بیکاری و کاهش تولید ملی می شود

باید اشاره کنیم که بحران های اقتصادی با بازگشت ادواری، هربار تهدید آمیزتر از پیش، موجودیت سراسر جامعه بورژوازی را به بوتۀ آزمایش می گذارد. در این بحرانها، نه تنها بخش عظیمی از محصولات موجود، بلکه، بخشی از نیروهای مولده که قبلاً خلق شده اند، به طور ادواری معدوم می شوند.

سوال : ایا امریکا جایگاه خود را به عنوان قدرت برتر جهان در دنیای پسا کرونا حفظ خواهد کرد ؟

پاسخ:

با آنکه بر اثر تغییرات مربوط به بحران آفت کرونا، بیلانس تجارتي امریکا کوچک و مخدوش شده، قدرت اقتصادی اش تحلیل میرود و اقتصاد آن کشور به سوی رکود سوق میگردد، اما هنوز امریکا در جایگاه اولین اقتصاد بزرگ جهان قرار دارد.

واقعیت این است که امروز امریکا با **21,439,453** میلیون دالر تولید ناخالص ملی- ( بر اساس برآورد صندوق بین المللی پول در سال 2019) با منابع طبیعی فراوان، با بودجه نظامی **750** میلیارد دالر در سال 2020 و داشتن ۵۱۰ هزار و ۹۲۷ پرسنل نظامی و غیرنظامی کشور نیرومند از نظر انکشاف و رشد اقتصادی، در سطح جهان است.

هنوز دلار آمریکا پول مسلط جهان است. حدود **۶۲ درصد** ذخایر ارزی کشورهای جهان به دلار است، آمریکا از نظر فن آوری پیشرفته و اطلاعات، تعداد اختراعات و پیشرفت های علمی، و مغزهایی که از کشورهای دیگر دنیا جذب می کند با هیچ کشور دیگری دنیا قابل مقایسه نیست. اما تحولات ناشی از گسترش ویروس کرونا، سیستم اقتصادی امریکا را بیشتر از هر زمان دیگر ضربه پذیر ساخته است. تحولات و انفعالات بوجود آمده در پروسه

مصرف و تولید کالا در مقیاس جهانی، احتمال وفول امریکا از جایگاه اولین اقتصاد بزرگ جهان را میتواند فراهم سازد. ولی تحقق این نظر وابسته به میزان خسارات، تغییرات و تلفاتی است که بحران کرونا به زنده گی اقتصادی و اجتماعی کشور های جهان به ویژه امریکا وارد میکند. این تنها اقتصاد امریکا نیست که به سوی رکود حرکت میکند، بلکه در مجموع اقتصاد همه کشورهای سرمایه داری با چنین سرنوشت مواجه اند . اقتصاد آمریکا ممکن است بیشتر از این تضعیف شود و چند سال در حالت رکود قرار داشته باشد اما هم چنانکه در بحران شدید سال ۲۰۰۸ و بحران بزرگ 1930 دیده شد، به احتمال قوی می تواند دوباره قدرت خود را باز یابد. و اقتصاد خود را با رویکرد های جدیدی ناشی از تغییر در سیستم تولید و مصرف عیار سازد.

ادوارد آلدن، عضو ارشد شورای روابط خارجی آمریکا در مصاحبه ای می گوید: "اپیدمی کرونا تاکیدی است بر اینکه آمریکا دیگر آن نقش یک سیستم بسیار کارآمد و پیشرفته را ندارد. اروپائی ها در گذشته به آمریکا با نگاهی آمیخته به خوف و احترام می نگرستند. اما اوضاعی که ایجاد شده این تصور را استحکام می بخشد که آمریکا چیزی برای آموختن به بقیه دنیا ندارد."

سوال -

آیا احتمال بلند رفتن چین در مقام نخست اقتصاد جهان، به عنوان پیروز رقابت بین دو قدرت بزرگ اقتصادی ( امریکا - چین) در دنیای پسا کرونا وجود دارد؟

پاسخ:

در وضعیت جاری برویت ارقام منتشر شده بانگ جهانی و صندوق بین المللی پول، ایالات متحده آمریکا بزرگ ترین اقتصاد جهان را در میان کشورهای دیگر در اختیار دارد.(تولید ناخالص داخلی این کشور در سال 2018 نزدیک به 20.4 تریلیون دلار است که در مقایسه با سال 2017 رشد داشته و به 19,390 تریلیون دلار رسیده است.)

بعد از آمریکا چین دارای دومین اقتصاد بزرگ جهان است. حجم اقتصاد چین 14 تریلیون دلار در سال 2018 است. ژاپن با حجم 5.1 تریلیون دلار، دارای سومین اقتصاد بزرگ جهان میباشد.

( آلمان، انگلستان، فرانسه، هندوستان، ایتالیا، برزیل وکانادا، به ترتیب در رده های چهارم تا دهم قرار دارند) بحران کرونا در مقیاس جهانی حلقه تجارت خارجی و رفت و آمدها به ویژه به چین را بیش از همه صدمه خواهد زد. احتمال دارد که اغلب کشورهای صنعتی مرز های خود را به روی تجارت خارجی ببندند و رفت و آمدهای افراد و کالاها را شدیداً محدود کنند، ( همین اکنون مرزهای کشورهای اروپا و امریکا با کشور چین به صورت نیمه بسته درآمده). این وضعیت ضربه بزرگ را به کشوری مانند چین که اقتصادش بر مبنای تجارت خارجی بنا یافته است خواهد زد.



مزید به آن کاهش واردات، و تولید کالاهای وارداتی در داخل کشورهای وارد کننده به هدف افزایش رشد داخلی و ایجاد اشتغال جدید، از جمله سیاستهای مورد بحث امروز بعضی دولتها هستند که عمدتاً وارد کننده های کالا های چینی اند. در صورت تحقق این سیاستها اقتصاد چین میتواند ضعیف گردد.

رقابت شدید اقتصادی از دیر زمانی بین امریکا و چین جریان دارد، جنک تجاری و یا بهتر بگویم جنگ وضع تعرفه های تجاری به هدف تضعیف صادرات چین به امریکا، این رقابت را وارد مرحله جدید نمود. تلاشهای که از سوی ترامپ و نهاد های مدافع سیاستهای وی برای بی اعتبار ساختن چین در جریان است، دیگر قابل درک می باشد. این تلاشها عمدتاً به دلیل رقابت با چین و ترس از افول اقتصاد امریکا در دنیای پسا کرونا و واگذار کردن موقعیت برتر آن کشور در صحنه جهانی به چین صورت میگیرد.

البته در بین دانشمندان جهان این احتمال که چین در شیوع بیماری کرونا غفلت کرده و به موقع دنیا را در جریان قرار نداده و یا احتمالاً این ویروس از آزمایشگاه میکروبیولوژی ووهان به بیرون درز کرده وجود دارد. اما دلیل این تهاجم شدید ترامپ به چین به عنوان " منبع و انتقال دهنده آفت کرونا به جهان " می تواند بیشتر نگرانی و احساس خطری باشد نسبت به از دست رفتن جایگاه آمریکا به عنوان قدرت برتر در جهان. زیرا چین با داشتن ظرفیت بزرگ اقتصادی و میزان رشد اقتصادی بلند یگانه الترناتیف برای قرار گرفتن در جایگاه "نخستین اقتصاد بزرگ برتر جهان" به شمار میرود.

طبق آماري که دولت چین درباره شرایط اقتصادی این کشور در سال گذشته منتشر کرد، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی این کشور به ۶/۱ درصد قید شده، این نرخ رشد در میان بالاترین نرخ های رشد اقتصادی در جهان قرار دارد ولی باید در نظر داشت که رشد اقتصادی چین در چند دهه اخیر به خصوص به گسترش سریع صادرات آن کشور بسته گی داشته است.

پاورقیهای مربوط به این مصاحبه :

1- نیولیبرالیزم بمثابة یک ایدئولوژی اقتصادی و سیاسی در برابر نظریه کنیز، که بحران را در شیوه تولید سرمایه داری یک پدیده درونی شده می داند و از این رو برای رفع بحران خواهان مداخله دولت در امور اقتصادی است ظهور نمود.

2- بحران اقتصادی:

بحران اقتصادی در مرحله اول عبارت است از پیدا شدن "اضافه تولید" یعنی پرشدن بازار از کالاهایی که خریدار قادر به برداخت نباشد. وقتی در بازار خریدار نباشد و کالاها به فروش نرسد طبعاً تولید کالاها نیز کاهش یافته و متوقف می شود و پیوست به آن تعطیل کارخانه ها و بیکاری وسیع و میلیونی کارگران بیش می آید که به نوبه خود فروش کالاها را باز هم دشوارتر کرده و بر عمق بحران می افزاید. به طبع آن سیستم اعتباری سرمایه داری

از کار باز می‌ماند، قرضداران توان پرداخت بدهی خود را در مدت تعیین شده از دست می‌دهند. بهای سهام شرکت‌ها در بازار تنزل می‌کند، موسسات سرمایه داری یکی پس از دیگری ورشکست می‌شوند. به این ترتیب آنچه در گام نخست به صورت وجود کالای اضافه تولید در بازار ظاهر گردیده بود در سیر تکاملی خویش مجموعاً اقتصاد را درهم می‌ریزد و فاجعه‌ای پدید می‌آورد که به مراتب ویرانگرتر نسبت به بحران آفت کرونا خواهد بود.

در رابطه به تاریخ بحران‌های اقتصادی نظام سرمایه داری باید گفت که . نخستین بحران بزرگ اقتصادی در ۱۸۲۵ در انگلستان پدید آمد و سپس هر ۸ تا ۱۲ سال یکبار تکرار شد و هر کشوری را که وارد مرحله سرمایه داری شده بود فرا گرفت.

. از دید علمای اقتصاد هر دور باز تولید سرمایه داری از چهار فاز یا مرحله می‌گذرد که عبارت‌اند از:

۱- بحران

۲- رکود اقتصادی یا کساد

۳- آغاز رونق نوین

۴- رونق

3- سیاست پولی :

به‌طور کلی سیاست‌ها پولی دو دسته هستند؛ سیاست‌های پولی انبساطی و سیاست‌های پولی انقباضی: انبساط به معنی باز شدن، گسترده شدن و انتشار است و انقباض به مفهوم گرفته شدن و مسدود شدن است.

سیاست انبساطی: مجموعه سیاست‌هایی است که هدف آن گشایش در تولید و کاهش بیکاری است. در این سیاست بانک مرکزی تصمیم می‌گیرد با افزایش حجم پول در جامعه، تقاضای مردم برای خرید کالاها را بالا برده و با این کار بخش عرضه را به تولید تشویق کند تا چرخ تولید شروع به حرکت کرده و بیکاری کاهش یابد.

سیاست انقباضی:

اتخاذ سیاست‌های انقباضی در شرایطی است که قیمت‌ها در جامعه زیاد شده و بیم آن وجود دارد پول‌های زیاد در دست مردم منجر به ورود کالاهای ارزان از خارج کشور و کاهش تولید داخلی شود. بنابراین تصمیم گیرنده های پولی باید سیاستی اتخاذ کنند که حجم پول در جامعه کاهش یابد. وقتی پول در دست مردم کم می‌شود تقاضای آنها برای خرید کم می‌شود و مردم همین کالاهای موجود را با پول کمتر خریداری می‌کنند و این یعنی کاهش قیمت کالاها.